

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای

دکتر عباس کشاورز شکری

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

قدسی علیزاده سیلاب

دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

### چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی با تأکید بر شاخص‌های ساختار و کارگزار در دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای جهت تحقق تمدن نوین اسلامی است. از آنجا که دولت اسلامی سومین گام از پنج گام مهم مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی است؛ بررسی نقشه راه دستیابی به آن در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی حائز اهمیت است. سؤال این است که نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش‌های کیفی است استفاده شده است. با این روش، اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و اسناد بررسی شده است. به همین منظور ابتدا نظریه تمدن نوین اسلامی و ویژگی‌های دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای ارائه می‌گردد. سپس بر اساس بیانات ایشان علائم و نشانه‌های نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی بر اساس بیانات آیت الله خامنه ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت؛ ایشان جهت دستیابی به دولت اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی به دو دسته عوامل ساختاری و کارگزاری و شاخص‌های آنها اشاره نموده‌اند. در زمینه ساختاری می‌توان به تأکید ایشان به نهادسازی با شاخص‌های اسلامی، عقلانی، کارآمدی، عدالت‌گرایی، قانونگرایی اشاره نمود و در زمینه کارگزار، نیز می‌توان به توصیه و تأکید ایشان به توجه کارگزاران و مسئولان دولت اسلامی به معنویت، عقلانیت، عدالت، سلامت اقتصادی اشاره نمود.

**کلید واژه‌ها:** آیت الله خامنه ای، دولت اسلامی، تمدن نوین اسلامی، ساختار، کارگزار.

**مقدمه**

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دوران جدیدی از تمدن اسلامی ظهور یافت. بر این اساس دولت و تمدن اسلامی با دولت‌ها و تمدن‌های غیر اسلامی دارای تفاوت ماهوی است؛ دولت در نظام اسلامی ضمن وجود مجموعه نهادها، واجد ویژگی‌های خاصی از نگرش و رفتار کارگزاران است. این امر با انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی در ایران آغاز، اما در ادامه برای تحقق کامل دولت اسلامی باید هم کارگزاران حکومتی روش مناسب اسلامی داشته باشند و هم ساختارهای مناسب جهت فراهم شدن شرایط تحقق جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی فراهم گردد. با طرح نظریه تمدن نوین اسلامی و مراحل آن از سوی آیت الله خامنه‌ای، تلاش در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. ایشان در ابتدای دهه ۱۳۷۰ در بیانات خود بحث تشکیل دولت اسلامی را طرح نموده و در سال ۱۳۷۹ ضمن بیان چیرستی دولت اسلامی فرایند پنج مرحله‌ای تحقق تمدن نوین اسلامی را تبیین نمودند. همچنین در دهه ۸۰ و ۹۰ در بیانات متعدد حرکت به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی را امری واجب دانستند. در فرایند تمدن نوین اسلامی دولت اسلامی سومین گام از مراحل پنجگانه است؛ و از آنجا که تحقق کامل این مرحله موجب تحقق مراحل بعدی خواهد شد؛ دارای اهمیت است. به نظر می‌رسد منازل و گام‌های باقیمانده انقلاب اسلامی یعنی تحقق دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی نیاز به نقشه راهی دارد که با علائم و راهنمایی‌های آن بتوان این مهم را تحقق بخشید. با ورود انقلاب اسلامی به دهه پنجم، آیت الله خامنه‌ای با بیانیه گام دوم ادامه مسیر انقلاب را تبیین نمودند. با توجه و بررسی این بیانیه می‌توان گفت در این بیانیه نیز مانند دیگر بیانات ایشان می‌توان برخی ویژگی‌ها، نشانه‌ها و توصیه‌های ایشان را در راستای تحقق دولت اسلامی درک نمود.

بر این اساس پژوهش حاضر بر آنست تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای چیست؟ همچنین بر این فرض استوار است که ایشان در بیانات خود، بر شاخص‌های دو نقش ساختار (نهادها) و کارگزار، جهت تحقق دولت اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان در بیانات متعددی به دولت اسلامی و ویژگی‌های اسلامی آن، اشاره نموده‌اند؛ در بیانیه گام دوم نیز ملاحظات ایشان در این زمینه، به ویژه در بخش کارگزاری درک می‌شود. پژوهش‌های متعددی در زمینه بررسی دولت اسلامی صورت گرفته است؛ اما پژوهش حاضر با هدف بررسی نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی با تأکید بر نقش ساختار و کارگزار از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، به رشته تحریر درآمده است.

**روش تحقیق**

برای پاسخ به سؤال اصلی مقاله، از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش‌های کیفی است استفاده شده است. با این روش، اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و اسناد بررسی شده است.

**الف- چهارچوب مفهومی و نظری****۱- تمدن نوین اسلامی**

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



تعاریف مختلفی از تمدن اسلامی ارائه شده است؛ در تعریفی آمده تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱).

تمدن اسلامی دوره‌های مختلفی داشته است؛ اما نظریه تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر توسط آیت الله خامنه‌ای ارائه شده است. طرح عبارت تمدن‌ساز نوین توسط ایشان در واقع احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف گردیده است، یعنی احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی که می‌تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید آیت الله خامنه‌ای بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه به‌عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی در واقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی است. از نظر آیت الله خامنه‌ای «هدف جمهوری اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی است؛ چنانکه ایشان تمدن اسلامی را فضایی می‌دانند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

آیت الله خامنه‌ای «پیشرفت همه‌جانبه را به‌عنوان تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته و هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌داند» (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳). تمدن نوین اسلامی تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سوی کمال و سعادت هدایت می‌نماید و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان‌ساز اسلامی دارد؛ نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت داده و آنرا از آفات بشری چون پوچ‌گرایی، عدم احساس امنیت، نابرابری و فقدان معنی در زندگی، نجات خواهد داد (اشکواری؛ موسوی، ۱۳۹۴: ۶).

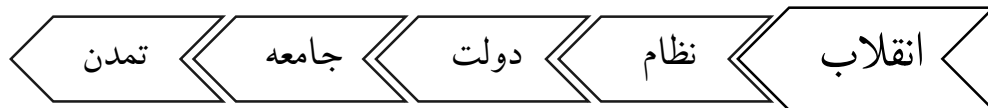
به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است (اکبری؛ رضایی، ۱۳۹۴).

از نظر آیت الله خامنه‌ای برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید پنج گام مهم برداشت؛ گام اول آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که «انقلاب اسلامی» ایران به پیروزی رسید برداشته شد. گام دوم از نظر ایشان «تشکیل نظام اسلامی» است و در نخستین روزهای پس از انقلاب توسط امام خمینی (ره) محقق گردید. گام سوم «تشکیل دولت اسلامی» به معنای اسلامی شدن روش و منش دولتمردان و طراحی ساز و کارها و نهادهای نظام براساس معارف اسلامی است؛ که در پی تشکیل نظام اسلامی جامع عمل به خود پوشید. گام چهارم

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



«تشکیل جامعه الگو و نمونه اسلامی» که نه تنها حیات طیبه را برای مردم ایران رقم بزند بلکه افزون بر آن الگویی برای سایر ملت‌های مسلمان بوده و به وسیله الگوسازی خود، در نهایت راه را برای تحقق گام پنجم یعنی «تشکیل تمدن نوین اسلامی» هموار سازد. لذا راهی که برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید طی شود را بطور خلاصه می‌توان به این صورت بیان داشت:



### نمودار ۱- مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی

#### ۲- دولت اسلامی

پژوهشگران سیاسی در مورد تعریف دولت توافق نظر ندارند؛ اختلاف بیش از هر چیز به گوناگونی اندیشه‌ها در مورد سرشت دولت که بر تعریف‌ها اثر می‌گذارد، مربوط است. در حالی که برخی متفکران سیاسی دولت را در اساس، یک ساختار طبقاتی می‌دانند؛ دیگران بر این اندیشه‌اند که دولت فراتر از طبقات و نمایانگر کل اجتماع است. عده‌ای آن را نظام قدرت می‌دانند. برخی آن را تضمین‌کننده زندگی جمعی می‌دانند، در حالی که دیگران آن را نهادی اخلاقی می‌دانند که از رفاه و تأمین اخلاقی انسان جدایی ناپذیر است. برخی آن را از دیدگاه حقوقی محض به مثابه اجتماعی تلقی می‌کنند که طبق قانون سازمان یافته است و برخی آن را با دولت یا جماعت یکسان می‌دانند. عده‌ای بر جنبه ساختاری و برخی بر جنبه کارکردی آن تأکید دارند (عالم، ۱۳۷۳: ۱۳۴).

بر این اساس تعریف دولت در نظام سیاسی اسلام جدا از جهان بینی اسلامی معنا ندارد. جهان اسلام در گذشته مفهوم دولت را در دو قالب خلافت و سلطنت تجربه نموده است (خداپرست، موسوی خو، ۱۳۹۸: ۴۷). دولت در جامعه اسلامی، همانند دیگر جوامع بشری، نه تنها بیانگر وجود مجموعه‌ای از نهادها است، بلکه حاکی از وجود نگرش‌ها و شیوه‌های خاصی از اعمال و رفتار بوده که مدنیت اسلامی خوانده شده و در واقع جزئی از تمدن اسلامی محسوب می‌شوند (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱).

در نظام سیاسی شیعه الگوی امامت مطرح است؛ در برخی نظرات سخن از ولایت فقیه شده است؛ که تشکیل حکومت در عصر غیبت از اموری است که همه علمای اسلام بر آن اتفاق نظر دارند. اگر چه تشکیل دولت به شکل امروزی که همه ابزارهای اداره جامعه در اختیار فقیه باشد؛ به صراحت در نظرات پیشینیان بیان نشده است. اما اعتقاد به اختیارات ولایت فقیه در امور قضاوت و اجرای حدود، حبس، جهاد، خمس و زکات نشان‌دهنده آن است که آنان نیز به امر تشکیل حکومت اسلامی اعتقاد داشته و فقط اختلافات در گستره اختیارات ولی فقیه است (حجایی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۷۷-۱۷۶). تجربه دولت‌سازی جمهوری اسلامی بر اساس بازسازی الگوی امامت با حضور ولی فقیه در نظام اسلامی، در تاریخ تحولات دولت اسلامی دارای اهمیت است. می‌توان گفت مهم‌ترین منبع نظریه دولت اسلامی بیانات آیت الله خامنه‌ای است؛ لذا پژوهش حاضر سعی دارد؛ ویژگی‌های دولت اسلامی را از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای بیان و بررسی نماید.

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



آیت الله خامنه ای در بیاناتی به ارائه مفهوم دولت اسلامی پرداخته و بیان می نمایند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام های بین المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸). همچنین از نظر آیت الله خامنه ای دولت چنین معنا می شود: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲). همچنین «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی... تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی...» (بیانات ۱۳۷۹/۹/۱۲). آیت الله خامنه ای در سخنان خود، ضمن اشاره به این فرایند تمدن اسلامی، ویژگی دولت اسلامی را چنین بیان می نمایند: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکل تمدن بین الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما-یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه که مجموع اینها دولت اسلامی است-سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش های اسلامی را دارد اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می بستند و راه می رفتند، امروز هم لنگ ببندیم و راه برویم؛ نه امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی -یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد» (بیانات، ۱۳۸۳/۸/۶).

ایشان در سخنانی در زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی و اهمیت دولت اسلامی و چگونگی تحقق آن بیان می نمایند: «فرایند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسانترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی- که از اینها دشوارتر است- ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل تر از مراحل قبلی است... قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسؤولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالبها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله‌ی سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد... بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالؤ و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می شویم: «لتكونوا شهداء على الناس». اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست- آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک میشود. نمیشود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود بپردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهتگیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از این که به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید» (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

همچنین در سخنان دیگری نیز چنین بیان می‌نمایند: «امروز هم که بحمدالله نظام اسلامی به وجود آمده، تشکیل شده، ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی و سپس تمدن اسلامی به معنای حقیقی به وجود بیاید...» (بیانات، ۹۸/۲/۲۸). بر اساس این سخنان، دولت اسلامی مقدمه‌ای برای تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است؛ لذا اهمیت دولت اسلامی در فرایند تمدن‌سازی اسلامی بیشتر درک می‌شود.

آیت الله خامنه‌ای در ارتباط با ویژگی‌ها و شرایط تحقق دولت اسلامی چنین بیان می‌نماید: «مرحله‌ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسؤولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور باایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند؛ اما دولت اسلامی که بتواند مقاصد را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است» (بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۳۰). بدین ترتیب از نظر ایشان «در مرحله سوم یعنی دولت اسلامی، آنچه اهمیت دارد اسلامی شدن روش و منش دولتمردان است» (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

با توجه به سخنان آیت الله خامنه‌ای می‌توان به عناصر اساسی در فرایند تمدن اسلامی پی برد؛ چنانکه بیان می‌نمایند: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی (مانند هر تمدن دیگر)، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان» (بیانات، ۱۳۷۹/۷/۱۴) و تشکیل دولت اسلامی به‌عنوان یکی از حلقه‌های تشکیل تمدن اسلامی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. این تلقی را ایشان به بیانی دیگر، تحت عنوان «واژه‌سازی و نهادسازی» مطرح نموده‌اند: «یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود... وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا می‌کند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را (آن مجموعه‌هایی که آن هدف‌ها را باید دنبال کنند) به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند. یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است. هر دو جزو کارهای دشوار است» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲). از نظر آیت الله خامنه‌ای نهادسازی یکی از مظاهر و جنبه‌های قدرت تولید جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است (بیانات، ۱۳۹۳/۲/۱۵).

آیت الله خامنه‌ای در سخنانی معیار دولت اسلامی را چنین بیان می‌نمایند: «آنچه ما به‌عنوان دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی به‌طور دائم در نظر داشته باشیم این است که باید حکومت علوی را معیار خودمان قرار بدهیم، خودمان را با حکومت علوی بسنجیم؛ هر مقداری که بین ما و آن حکومت فاصله است، آن را عقب‌ماندگی به حساب بیاوریم. اگر چنانچه کارهای خوب انجام می‌دهیم، از لحاظ معنوی پیشرفت می‌کنیم یا کارهایی که مایه‌ی افتخار به‌حسب ارزشهای اسلامی است انجام می‌دهیم، مبالغه نکنیم در اهمیت آن؛ مقایسه کنیم با حکومت علوی و ببینیم چقدر فاصله است بین ما و او. شاخص عمده در حکومت علوی، یکی عدالت

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



است، یکی پارسایی و پاک‌دامنی است، یکی مردمی بودن و با مردم بودن است؛ حکومت علوی اینها است دیگر؛ زندگی امیرالمؤمنین مظهر عدل است، مظهر زهد است، مظهر مردمی بودن و پاک زیستن است. باید اینها را معیار قرار بدهیم، واقعاً باید در این جهت حرکت کنیم» (بیانات، ۱۳۹۷/۶/۷).

آیت الله خامنه‌ای در سخنان خود به وظایف دولت اسلامی اشاره نموده و بیان می‌نماید: «هم دولت اسلامی - یعنی مسئولین دولتی، قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه - هم علما، وظیفه‌شان این است که تربیت ایمانی کنند این ملت را؛ تربیت تقوایی کنند این ملت را؛ تربیت صبر، تربیت احسان بین مردم و بین مؤمنین؛ ما باید مردم را این‌جوری تربیت کنیم. از همه مهم‌تر دستگاه‌های دولتی هستند که با برنامه‌ریزی می‌توانند این کار را انجام بدهند» (بیانات، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

با توجه به بیانات آیت الله خامنه‌ای در رابطه با دولت اسلامی نکاتی را می‌توان استنباط نمود: اول آنکه نظام اسلامی، بیانات، وضاحت و امر و نهی‌هایی دارد (بیانات، ۱۳۷۸/۶/۱۰). دوم آنکه حکومت اسلامی برای دنیا حرف نئی دارد (بیانات ۱۳۷۸/۱۱/۴) و سوم آنکه، نظام اسلامی برآمده از انقلاب، از شرق و غرب الگو نگرفته است (بیانات، ۱۳۷۹/۲/۲۳). همچنین بر اساس بیانات ایشان می‌توان دریافت؛ دولت اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که علاوه بر اینکه وجه تمایز دولت اسلامی از دولت غیر اسلامی است؛ شرط لازم جهت تحقق دولت اسلامی نیز هستند (مزروعی، نادری، ۱۳۹۷: ۷۰). چنانکه در سخنان چنین بیان می‌نماید: «یکی از امتیازات کار برای حکومت اسلامی و دولت اسلامی همین است که اگر چنانچه کار برای خدا شد، کار تبدیل میشود به عبادت...» (بیانات، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

از جمله ویژگی‌های دیگر نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ابتدای دولت بر پایه ولایت الهی، حکمرانی مبتنی بر فقه اسلامی (بیانات، ۱۳۷۴/۹/۱۶)، اهتمام توأمان دولت به امر مادی و معنوی (بیانات، ۱۳۷۷/۲/۲)، ضمانت درونی داشتن دولتمردان (بیانات، ۱۳۷۸/۱/۱۶)، صیانت از حقوق مردم (بیانات، ۱۳۷۸/۱/۱۶)، تکریم شأن و مقام انسان (بیانات، ۱۳۷۸/۶/۱۰)، سوق دادن مردم در مسیر رشد و تعالی (بیانات، ۱۳۶۹/۵/۷). همچنین با حاکم شدن برخی ویژگیها بر دولت، مانع تحقق دولت اسلامی و به اهداف انقلاب اسلامی شده؛ لذا مسئولان باید از این ویژگی‌ها دوری گزینند. نگاه مادی به مقام و منصب، مسئولیت را به مثابه غنیمت پنداشتن (بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)، زورگویی، قانون‌گریزی (بیانات، ۱۳۶۹/۳/۱۰)، رشوه‌گیری، فساد اداری، ویژه‌خواری، کم‌کاری، بی‌اعتنایی به مردم، میل به اشرافی‌گری، حیف و میل بیت‌المال (بیانات، ۱۳۸۴/۵/۲۸) از جمله این ویژگی‌ها هستند.

آیت الله خامنه‌ای در رابطه با تحقق دولت اسلامی بیان نموده‌اند: «اگر انقلاب مبارزه لازم داشت تا به پیروزی برسد، امروز هم مبارزه لازم است تا بتوانیم این هنجارهای انقلاب را تثبیت کنیم؛ باید به نتیجه برسیم تا جامعه بشود جامعه‌ی اسلامی. ما جامعه‌ی اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم نداریم! از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم؛ بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه‌ی اسلامی است؛ ما این مراحل را در پیش داریم. ما توانستیم یک انقلاب اسلامی - یعنی یک حرکت انقلابی - به وجود بیاوریم؛ [بعد] توانستیم بر اساس آن، یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم؛ خیلی خوب، تا اینجا توفیق حاصل شده که خوب خیلی هم مهم است؛ لکن بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است؛ یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی برای کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



ابداً؛ داریم پیش می‌رویم؛ با همه‌ی مخالفتها، با همه‌ی کارشکنی‌ها، با همه‌ی دهن‌کجی‌هایی که میشود، حرکت می‌کنیم و داریم پیش می‌رویم بلاشک. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد؛ هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم. بعد که دولت اسلامی به وجود آمد، آن وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه‌ی اسلامی است. خوب، بنابراین باید مبارزه کرد عزیزان من» (بیانات، ۱۳۹۶/۶/۶). می‌توان گفت تحقق دو مرحله دولت اسلامی و جامعه اسلامی تدریجی و نسبی خواهد بود و بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، این دو مرحله کاملاً همراه با یکدیگر به پیش خواهند رفت، البته همراه با یک تقدم منطقی و اهمیت بیشتر برای دولت اسلامی (سالاری، ۱۳۹۱). همچنین از نظر آیت‌الله خامنه‌ای دولت اسلامی هنوز محقق نشده و تحقق آن نیازمند مبارزه، تلاش و حرکت مستمر است؛ بنابراین برای دستیابی به آن دولت مطلوب اسلامی به یک نقشه راه با راهنماهای مشخص بر اساس بیانات ایشان احساس نیاز می‌شود.

### ب- نقشه راه دولت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

همانگونه که ذکر شد؛ از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در حال حاضر گام سوم فرایند تمدن‌نویین اسلامی یعنی دولت اسلامی در حال محقق شدن است. در این مرحله تحقق دو امر ضروری می‌نماید؛ ۱- اسلامی سازی نظام‌ها و روش‌ها، ۲- تربیت و شکل‌گیری دولتمردان در تراز و تطبیق مسئولین با ضوابط و شرایط دولتمردان اسلامی (جهان‌بین؛ معینی پور، ۱۳۹۳: ۳۷). به عبارتی توجه به ویژگی‌های ساختارها و نهادهای دولت اسلامی و توجه به کارگزاران دولت اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس در ادامه با توجه به بیانات ایشان توجه به این دو نقش مهم، در دولت سازی اسلامی به عنوان نقشه و راهنمای دستیابی به دولت اسلامی مطلوب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱- توجه به نقش کارگزار

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای متناسب بودن اعتقادات، اخلاق، روش و منش کارگزاران دولت اسلامی متناسب با ارزش‌های معنوی و اسلامی دارای اهمیت است؛ در ادامه بر اساس بیانات ایشان شاخص‌های کارگزاران دولت اسلامی به تفکیک بررسی می‌شود.

### ۱-۱- دولتمردان اسلامی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مرحله پس از نظام‌سازی، تشکیل دولت اسلامی است؛ این مرحله در اندیشه ایشان از دو رکن مهم برخوردار است. ابتدا منطبق بودن اخلاق، رفتار، منش کارگزاران و ویژگی‌های مسئولان با ارزشهای اسلامی، چنانکه بیان می‌نمایند: «بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

در سخنان دیگری نیز تأکید می‌نمایند: «قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی



## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



شویم. این مشکلتر از مراحل قبلی است. ما مسؤولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسؤولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسؤولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی» (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱). در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای اولین شاخص کارگزاران در دولت اسلامی، ویژگی اعتقادی و اخلاقی است چنانکه بیان می‌نمایند: «اولین شاخص دولت اسلامی، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). چنانکه ملاحظه می‌شود؛ ایشان در سخنان متعددی بر این شاخص و ویژگی تأکید می‌نمایند.

آیت الله خامنه‌ای در سخنان دیگری در دیدار با هیئت دولت به این شاخص و معیار اسلامی در رابطه با کارگزاران دولت اسلامی تأکید می‌نمایند: «دولت اسلامی شامل همه‌ی کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه‌ی مجریه؛ یعنی حکومتمگران و خدمتگزاران عمومی. اینها باید جهتگیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهتگیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و بسرعت به سمت آن جهتگیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸).

با توجه به این شاخص و سخنان ایشان، کمال انسان موجب تحقق کامل دولت اسلامی خواهد شد؛ چنانکه بیان می‌نمایند: «دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان‌شاءالله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می‌کنند. همه‌ی ما انسانهای ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه‌ی کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آنها هستیم - به نقطه‌ی برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸).

معیار و شاخص رفتار اسلامی کارگزاران در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای تا بدانجاست که ایشان، رفتار اسلامی مردم و تحقق کشور اسلامی را منوط به این امر می‌دانند. «اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت‌مان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لوموا انفسکم»» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸).

این شاخص از چنان اهمیتی در نزد ایشان برخوردار است که مفهوم دولت اسلامی را به پیوند زدن مفهوم دولت اسلامی را به معیارهای اسلامی کارگزاران پیوند می‌زند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظامهای بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیکتر کنیم. این شعار، بسیار بارز است؛ ان‌شاءالله به این شعار پایبند بمانید و این تلاش را جدی‌تر، بی‌آسیب‌تر و واقعی‌تر کنید؛ چون گامی بلند خواهد بود در

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



راه رسیدن به آن هدفها؛ و همان‌طور که عرض کردم، رسیدن به آن هدفها مردان خودش را می‌خواهد. البته «مردان» که می‌گوییم، به معنای «رجال» در قانون اساسی نیست؛ شامل خانمها هم می‌شود؛ یعنی کسان و عناصر و کارگزاران خودش را می‌خواهد» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب نیز به این مهم اشاره داشته و به حکومت‌ها توصیه می‌نمایند: «اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوهی معقول بستیزند» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

از نظر آیت الله خامنه‌ای انطباق دولت با قوانین دینی لازمه تحقق دولت اسلامی است. بر این اساس آنچه موجب تمایز دولت اسلامی از سایر دولت‌ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می‌کند. «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸). همچنین در اندیشه آیت الله خامنه‌ای دولت‌سازی اسلامی متوقف بر اسلامی شدن چهار مؤلفه کلیدی است که عبارتند از: «ساز و کارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد جامعه اسلامی»، «نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴)، «نهادهای و بنیان‌های اداره مدیریت کشور»، «روش و منش دولتمردان» (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲). چنانکه بیان می‌نمایند: «دولت فقط قوه مجریه نیست، یعنی مجموعه دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را بر عهده دارند... دولت اسلامی، یعنی ساز و کارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد... جامعه اسلامی است... اما ساز و کارها، چنین نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل‌نوشدن است... البته باید متکی به اصول... در همه نظامات جمهوری اسلامی... این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود... باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴). آیت الله خامنه‌ای در دیدار با هیئت دولت به شاخص‌های دیگری نیز برای کارگزاران در دولت اسلامی اشاره نموده‌اند که در ادامه به اختصار بیان می‌گردد.

### ۲-۱- عدالت

شاخص سوم کارگزاران دولت اسلامی، «مسئله‌ی عدالت است. بنده بارها عرض کرده‌ام معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت... همه‌ی ارسال رُسل و انزال کتب و مانند اینها «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» است؛ برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند. بنابراین، این هم شاخص بعدی است که این را دائماً باید در نظر داشت» (۱۳۹۲/۶/۶). آیت الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب عدالت‌گرایی را یک امر واجب برای دولتمردان بر شمرده و بیان می‌نمایند: «عدالت در صدر هدفهای اولیّه‌ی همه‌ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

### ۳-۱- سلامت اقتصادی

آیت الله خامنه‌ای در سخنانی به صراحت بیان می‌نمایند: «در نظام اسلامی، چیزی که به شدت با آن مقابله می‌شود، رسوخ فساد است» (بیانات، ۱۳۷۲/۵/۱۲). بدین ترتیب مبارزه با فساد و سلامت اقتصادی را از جمله شاخص‌های کارگزاران دولت اسلامی بر

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



شمرده و بیان می نمایند: «شاخص بعدی که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است» (۱۳۹۲/۶/۶). سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد ویژگی دیگر دولت اسلامی از نظر آیت الله خامنه ای است. ایشان تأکید دارند، فساد اژدهای هفت سری است که سخت جان بوده و به آسانی از بین نمی رود. سختی مبارزه با فساد و ایجاد سلامت اقتصادی به حدی است که ممکن است برخی دولت ها مدعی مبارزه با فساد باشند؛ اما در عمل اقدامی مؤثر نمایند. به همین دلیل ایشان با بیان اینکه «منصب حکومتی جایگاه وسوسه انگیز قدرت و منابع مادی است» (بیانات، ۶ / ۶ / ۱۳۹۲) به دولت توصیه می نمایند: «مانند یک چشم بصیر و یک نورافکن قوی و دائم، مراقب باشید دستگاه تحت مدیریت شما از وسوسه فساد، دور و در امان بماند» (بیانات، ۶ / ۶ / ۱۳۹۲). ایشان در بیانیه گام دوم به سلامت اقتصادی کارگزاران اشاره نموده، کمترین فساد اقتصادی را نیز برای کارگزاران نظام بسیار دانسته و بیان می نمایند: « همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دلهایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

### ۱-۴- قانون‌گرایی

«شاخص بعدی، مسئله‌ی قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدید، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاهها این باید نهادینه بشود. و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاستهای کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراها، عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی؛... این قانون‌گرایی و قانون‌مداری اگر چنانچه جا افتاد، مسلماً خیلی از آسیبها از بین خواهد رفت» (۱۳۹۲/۶/۶).

### ۱-۵- عقلانیت

شاخص دیگری که کارگزاران در دولت اسلامی باید در نظر داشته باشند؛ «مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر کار کارشناسی، گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی میگذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه‌ی سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد میکند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره‌ی یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان میرسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریتها و در کارها است» (۱۳۹۲/۶/۶). بدین ترتیب ایشان به دولت جهت استفاده از ظرفیت خوب کارشناسان داخلی در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها توصیه و تأکید دارند

**مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب****۶-۱- نگاه به درون**

یک شاخص مهم دیگری که ایشان بر آن تأکید دارند؛ «تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد» (۱۳۹۲/۶/۶). به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای، تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور به معنی عدم استفاده از امکانات بیرون از کشور و محصولات خارجی نیست؛ بلکه منظور این است که مسئولان امید صرف به ظرفیت‌های بیرونی نداشته باشند. ایشان، شناسایی و توجه به ظرفیت درونی و بهره‌برداری خردمندانه از آن‌ها به ویژه زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی را کلید حل مشکلات کشور می‌دانند (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). ایشان بر توجه به ظرفیت‌های درونی تأکید و توصیه به حضور کارگزاران و دولتمردانی با توجه به این ویژگی داشته

**۷-۱- شایسته‌سالاری**

یکی دیگر از شاخص‌هایی که آیت الله خامنه‌ای جهت تحقق دولت اسلامی اشاره می‌نمایند؛ انتخاب کارگزاران بر اساس اصل شایسته‌سالاری است. ایشان در این زمینه چنین بیان می‌نمایند: «در همه‌ی نظامات جمهوری اسلامی، در قوه‌ی مجریه، در قوه‌ی مقننه، در قوه‌ی قضائیه، در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیتها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییرها و تبدیلهائی که در اسلام وجود دارد، بر اساس این است» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

**۸-۱- خدمت جهادی**

شاخص دوم کارگزاران در دولت اسلامی، از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای خدمت به مردم است. خدمت به مردم به ویژه اقشار آسیب‌پذیر و مستضعفان که زحمات بسیاری برای انقلاب کشیده‌اند، در اصل یکی از اهداف انقلاب است؛ آیت الله خامنه‌ای در موارد متعدد مسؤولان مختلف دولتی را نسبت به این امر توصیه‌های فراوان نموده‌اند. چنانکه ایشان خدمت به مردم را گفتمان اصلی دولت اسلامی و فلسفه وجودی مسؤولان دانسته و تأکید دارند که: «هیچ مسأله‌ای نباید مسؤولان را از خدمت به مردم غافل کند» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۲). همچنین در خدمت به مردم دو نکته را یادآور می‌شوند؛ نکته اول محدود بودن دوره خدمت است که باید از فرصت‌های نامحدود آن استفاده کرد. نکته دوم جهادی کار کردن است که از نظر ایشان این امر به منظور بی‌قانونی نیست بلکه به معنای عبور از موانع، انجام کار با شوق و فراموش نکردن آرمان‌ها و جهت است چنانکه بیان می‌نمایند: «مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه‌ی وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند... در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سالها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت‌کننده‌ی بی‌قانونی نیستم؛ شدت ضد این بی‌قانونی هستیم، اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار مرسوم اداری، یک کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان‌شاءالله خدمت بخوبی انجام بگیرد» (۱۳۹۲/۶/۶). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب نیز به این موضوع اشاره و تأکید می‌نمایند: «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می‌توانیم که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



در همه عرصه‌ها رسانید» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). همچنین از نظر ایشان «مسئولان باید دوران مسئولیت را که یک لطف الهی برای خدمت به مردم است، قدر بدانند و از این طریق، برای عرصه بسیار دشوار آخرت زاد و توشه فراهم کنند» (بیانات، ۱۳۹۸/۵/۳۰). با بررسی بیانات و سخنان آیت الله خامنه‌ای می‌توان گفت، ایشان اهمیت ویژه‌ای برای نقش کارگزار در تحقق کامل دولت اسلامی قائل هستند. بر این اساس نیز شاخص‌ها و ویژگی‌هایی را به عنوان راهنمای انتخاب و عمل کارگزاران در دولت اسلامی ارائه نموده‌اند.

### ۲- توجه به نقش ساختار (نهادسازی)

آیت الله خامنه‌ای در سخنان متعددی در زمینه ساختارهای دولت اسلامی به نهادسازی متناسب با دولت اسلامی و ویژگی‌های نهادهای دولت اسلامی، اشاره نموده‌اند. این امر نشان‌دهنده آنست که نهادهای دولت اسلامی باید با ویژگی‌های اسلامی و متناسب با آن نظام ارزشی تأسیس شوند تا موجب تحقق کامل دولت اسلامی گردند.

نکته قابل توجه آنکه تا پیش از برنامه چهارم توسعه آیت الله خامنه‌ای در مورد ویژگی‌های مدیران و کارگزاران نظام اسلامی تأکید بیشتری داشته‌اند. اما تقریباً با برنامه چهارم توسعه و پس از آن تأکیدات ایشان الگوها و روشهای اداره کشور را نیز شامل شده‌اند. چندانکه مطالبه "الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" در اندیشه‌های ایشان جایگاه بسیار مهمی می‌یابد. با بررسی بیانات ایشان مشاهده می‌شود؛ سخنان ایشان درباره دولت اسلامی که بر ویژگی‌های مدیران تأکید دارد در دهه ۸۰ و ابتدای دهه ۹۰ بیان شده است. اما در آخرین سخنانی که توسط ایشان درباره مراحل پنجگانه تشکیل تمدن بزرگ اسلامی ایراد شد، ایشان بر سازوکارها و الگوها تأکید نموده‌اند (سالاری، ۱۳۹۱) و در سخنانی بیان می‌نمایند: «دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

بدین ترتیب «رکن بعدی دولت اسلامی عبارت است از اینکه علاوه بر ویژگی‌های کارگزاران، روشها و ساختارهای اداره کشور نیز که بنا است کارگزاران نظام در قالب این ساختارها و روشها به ارائه خدمت به مردم بپردازند نیز اسلامی شوند. منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

این رکن از تشکیل دولت اسلامی از آن جهت مهم است که ساختارها و روشها در حقیقت روابطی هستند که کارگزاران درون آن روابط با یکدیگر در تعامل بوده و عمل می‌نمایند و اگر حالتی متصور شود که در آن حالت کارگزاران دارای ویژگی‌های اسلامی بوده اما روشها و ساختارها برآمده از الگوهای سکولار باشند؛ در عمل این اقتضائات روابط و الگوهای سکولار است که خود را بر آرمانها و مطلوبیتهای نیروهای اسلامگرا تحمیل می‌کند و آنان را در چهارچوبهای تحمیلی خود محدود می‌سازد. در اینصورت نهادها و ساختارهای نظام با نوعی تضاد درونی و دائمی بین نیروهای اسلامگرا و الگوهای سکولار مواجه خواهد بود. تضادی که یا به سرخوردگی، استحاله و یا حذف نیروهای اسلامگرا منجر خواهد شد و یا به تغییر روابط و الگوهای نظامات و نهادهای اداره نظام توسط نیروهای

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



اسلامگرا و تحول‌خواه (سالاری، ۱۳۹۱). در راستای توجه به ساختارها و نهادسازی در دولت اسلامی، می‌توان ویژگی‌های ساختارها در دولت اسلامی را نیز از بیانات ایشان استنباط نمود؛ که برخی به اختصار بررسی می‌گردد.

### ۱-۲- نهادسازی اسلامی و ارزشی

در ابتدا یک نکته قابل ذکر است؛ در رشته‌های مختلف علوم انسانی نهاد دارای تعاریف متعددی است و از جمله پیچیده‌ترین مسائل تمایز بین مفاهیم نهاد، سازمان، مؤسسه و سایر عبارات این چینی است. در یک تعریف از نهاد در علم مدیریت آمده است: «در سازمان داشتن هدف مشترک و تلاش جمعی برای رسیدن به هدف شرط لازم است اما در نهاد نوعی تعهد اخلاقی ملاک تجمع و همیاری است... در بنیاد آنچه افراد را به هم پیوند می‌زند طبقه مشترک و جایگاه اجتماعی و برخورداری از اقتدار مشترک است. بطور کلی وجه ممیزه نهاد و سایر واژه‌های نزدیک با آن این است که نهاد نوع رابطه با بیرون از محیط سازمانی در تبیین معانی آن نقش اساسی دارد حال آنکه در سایر واژه‌ها نوع رابطه درونی که در سازمان حاکم است تعیین کننده است» (ایروانی، ۱۳۷۷: ۲۶). البته از نظر جامعه‌شناسان نهاد «یک مشترک لفظی است میان عناصر "ساخت یک نظام اجتماعی" و نیز "مجموعه‌ای از ارزش‌ها، فرآیندها و روش‌ها» (ایروانی، ۱۳۷۷: ۲۷) که در جامعه وجود دارند. «در نظام معنایی انقلاب اسلامی نهادها مترادفند با ساختارها و یکسری از دستگاه‌های ارزشی که به واسطه انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند. یعنی مشخصه‌ای که از شنیدن نام این نهادها به ذهن خطور می‌کند انقلابی بودن و تولد و رشد آن‌ها در دامان انقلاب اسلامی است» (سالاری، ۱۳۹۱).

از ویژگی‌های این ساختارها هماهنگی آنها با نظام فکری و ارزشی خاص انقلاب اسلامی است. یعنی قبل از آنکه این ساختارها به واسطه وظایفشان مورد تمایز قرار گیرند؛ با ارزش‌های اساسی که بدان پایبند هستند شناخته می‌شوند و حتی در اکثر موارد نامگذاری آنها با ارزش اساسی آن دستگاه همراه است. بدین ترتیب مهم‌ترین نهادها با این تعریف نهادهایی هستند؛ مانند: بسیج مستضعفین، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی، جهاد خودکفایی، حوزه هنری انقلاب اسلامی، نهضت سوادآموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد شهید و... که در دوران اول نهادسازی انقلاب اسلامی و به دستور امام خمینی (ره) و با تأیید ایشان تأسیس شده‌اند. در دوران دوم نهادهایی مانند: بنیاد ملی نخبگان، بسیج سازندگی، بسیج اساتید، جنبش عدالتخواه دانشجویی، جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و بسیاری مراکز گوناگون دیگر نیز با دستور یا تأیید آیت‌الله خامنه‌ای و یا با الهام گرفتن از مطالبات اساسی ایشان تشکیل شده‌اند ممکن است این نهادها در حال گذار از مراحل اولیه یک تشکیلات کوچک به یک نهاد انقلابی بزرگ و موثر باشند. چنانکه مشاهده می‌شود هر کدام از نهادهای مذکور به صورت مستقیم و با نام‌هایشان اعلام می‌دارند؛ بر اساس کدام ارزش انقلابی تأسیس شده و این ویژگی در دیگر دستگاه‌های نظام اسلامی مشاهده نمی‌شود (سالاری، ۱۳۹۱).

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در جهت تحقق دولت‌سازی اسلامی به مسئله مهم نهادسازی در این راستا توجه نشان داده و تأکید می‌نماید؛ یک حرکت انقلابی در جهت دولت‌سازی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی علاوه بر متحول نمودن نهادهای موجود مطابق با ارزش‌ها و آرمان‌ها، نهادهای جدیدی را نیز ایجاد نماید. با توجه به سخنان ایشان اهمیت این امر را می‌توان درک نمود: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی (مانند هر تمدن دیگر)، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان» (بیانات، ۱۳۷۹/۷/۱۴) و تشکیل دولت اسلامی به‌عنوان یکی از حلقه‌های تشکیل تمدن اسلامی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. این تلقی

**مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب**

را ایشان به بیانی دیگر، تحت عنوان «واژه‌سازی و نهادسازی» مطرح نموده؛ لذا از دیدگاه ایشان نهادسازی‌های انقلاب اسلامی باید در ارتباط مستقیم با واژه‌سازی انقلاب اسلامی باشد. چرا که ساختارهای انقلاب اسلامی مانند افکار آن باید برگرفته از اقتضانات انقلاب اسلامی و بومی باشند؛ لذا در سخنانی بیان می‌نمایند: «یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود... وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا میکند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را - آن مجموعه‌هایی که آن هدفها را باید دنبال کنند - به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند، یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است، هر دو جزو کارهای دشوار است. انقلاب اسلامی هر دو را انجام داد» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲).

از نظر ایشان اهمیت نهادسازی تا آنجا است که بدون نهادسازی‌های جدید، تحول و اصلاح ساختارهای قبلی برای هماهنگی آنها با انقلاب اسلامی امکانپذیر نیست؛ «در مقوله‌ی نظامی، ارتش که ساخته و پرداخته‌ی فرهنگ دیگری و نظام دیگری و کسان دیگری بود، تبدیل شد به یک ارتش انقلابی، به یک ارتش متدین و مؤمن؛ ساختهایش هم تغییر پیدا کرد، روشهایش هم تغییر پیدا کرد، شعارهایش هم تغییر پیدا کرد؛ در آن، تحول به وجود آمد. در کنار این، نهاد نوپا و تازه‌ای از خود انقلاب روئید و آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ که اگر این دومی نمیشد، اولی هم امکان‌پذیر نبود. اینها هنرهای انقلاب است که امام بزرگوار ما مظهر اعمال این هنرها و فهم دقیق از نیاز جامعه و نیاز آینده بود و این را با قدرت، با قاطعیت و با پیگیری انجام داد» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲). آیت الله خامنه‌ای نهادسازی را یکی از مظاهر و جنبه‌های قدرت تولید جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی می‌دانند (بیانات، ۱۳۹۳/۲/۱۵). می‌توان گفت انقلاب اسلامی توانسته است برای نهادینه‌سازی آن نظام ارزشی مبنای اقدام به نهادسازی‌های متناسب با آن نظام ارزشی، مفهومی و واژگانی نماید. بدین ترتیب انقلاب اسلامی با نهادسازی‌های متناسب با نظام ارزشی، مفهومی و واژگانی توانسته به سمت تحقق دولت مطلوب اسلامی حرکت نموده و به اهداف انقلاب اسلامی در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی کمک نماید.

**۲-۲- قانون‌گرایی**

آیت الله خامنه‌ای به این نکته توجه دارند قانون مهم‌ترین نهاد هر جامعه است؛ لذا ایشان تأکید می‌نمایند؛ باید قانون‌گرایی را در جامعه نهادینه کرد. به عبارتی، قانون به منزله ریل است و در صورت فقدان قانون صواب، باید قانون معیوب را تا زمان اصلاح اجرا کرد (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). از آنجا که قانون موجب انتظام امور می‌گردد. به همین دلیل آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت قانون، قانونگرایی را از دیگر شاخص‌های بسیار مهم تحقق کامل دولت اسلامی دانسته و معتقدند: «قانون، ریل حرکت دولت است و اگر به هر دلیلی از آن خارج شوید کشور و مردم، صدمه می‌بینند» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶).

**-عدالت‌گرایی**

شاخص دیگر دولت اسلامی از نظر آیت الله خامنه‌ای عادلانه بودن ساختارهای دولت اسلامی است؛ بر این اساس همانطور که کارگزاران باید رفتار عادلانه داشته باشند؛ ساختارها به ویژه ساختار کلی دولت اسلامی جهت برپایی عدالت تأسیس شوند. در نظر ایشان عدالت، اساس پیشرفت است و پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داشت که تمدن پرجلوه غرب، امروز به آن

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



دچار شده است (بیانات، ۶/ ۶/ ۱۳۹۲). عدالت در اندیشه ایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه بیان می‌نماید: «جامعه اسلامی باید دنبال عدالت هم برود و اگر عدالت نیست، آن را تأمین کند. اگر در دنیا دو نقطه وجود دارد که یکی نقطه عدل و یکی نقطه ظلم است و هر دو هم غیر اسلامی هستند، اسلام به آن نقطه عدل، و لو غیر اسلامی است، توجه موافق دارد» (بیانات، ۱۰/۱۰/ ۱۳۷۳).

در حقیقت از نظر آیت الله خامنه‌ای توجه به عدالت، شامل «عدالت جغرافیایی، عدالت طبقاتی، عدالت در زمینه‌های مسائل اقتصادی، عدالت در زمینه‌های مسائل فرهنگی، عدالت در جایگزین شدن و جای گرفتن در مسؤلیت‌ها و مناصب و عدالت در قضاوت‌ها» محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است. آیت الله خامنه‌ای همزمان با آغاز دهه توسعه و عدالت می‌فرماید: «در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که دارای چهار رکن اصلی است: رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه و آرمان انقلابی و ارزش‌های اخلاقی اسلام» (بیانات، ۲/ ۶/ ۱۳۸۷).

در این راستا رهبر انقلاب بر این اعتقادند، هر یک از این چهار رکن اصلی اگر ضعیف شود یا از میان برود، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد. همچنین ایشان مشروعیت دولت را منوط عدالت خواهی و نیز به مبارزه با فساد و تبعیض دانسته و تأکید دارند: «درباره مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، ... اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ ... دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش که مهمترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم» (بیانات، ۵/ ۶/ ۱۳۸۲).

### ۳-۲- اصلاح اقتصادی

همچنین ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب ضعف‌های ساختاری و مدیریتی را یک چالش درونی اقتصادی دانسته که با حل این دو چالش و با اتکا به درون مشکلات اقتصادی حل خواهد گردید. ایشان بر توجه به ظرفیت‌های درونی تأکید و توصیه داشته و راه حل‌هایی جهت اصلاح ساختار اقتصادی دولت اسلامی بیان می‌نمایند: «درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بدین ترتیب می‌توان با توجه به راه حل‌های ارائه شده از سوی ایشان نقشه راه دولت اسلامی در زمینه اصلاح ساختار اقتصادی را دریافت نمود.

### ۲-۴- الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

آیت الله خامنه‌ای در تعاریف متأخر، بیشتر وجه ساختاری و نظام‌گونه دولت اسلامی را مورد تأکید قرار داده اند: «دولت اسلامی یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی» (بیانات، ۲۴/ ۷/ ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت موضوع از ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی، طرح الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از محوری‌ترین مطالبات ایشان بوده و بر اساس حکم ایشان می‌توان آن را نقشه راه و الگوی مشخص دولت اسلامی دانست. لذا با توجه به اهمیت پیشرفت علمی و فرهنگی با تأکید بر الگوی اسلامی و ایرانی

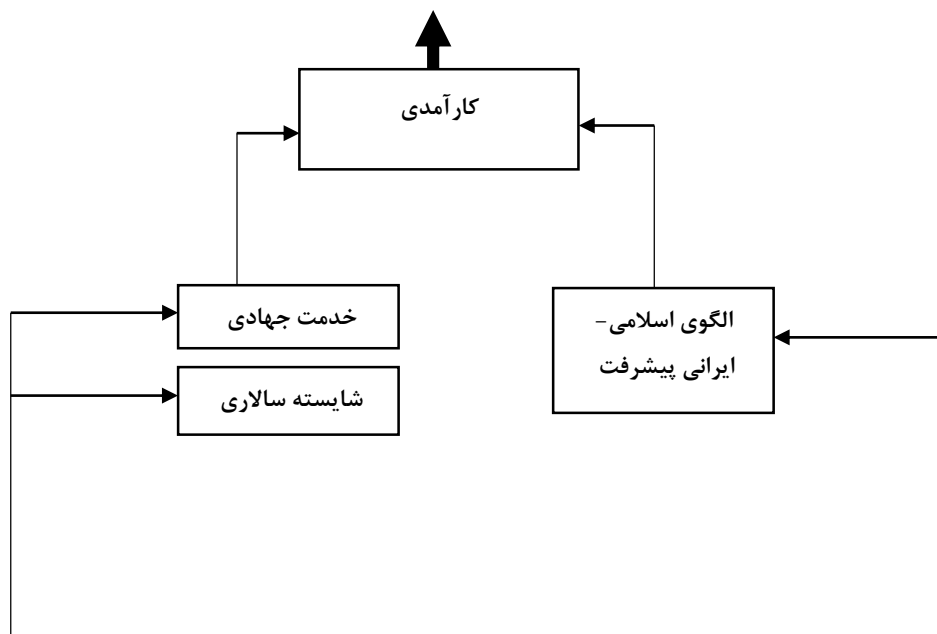
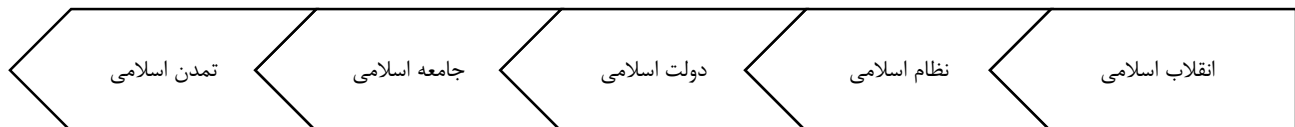


## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب

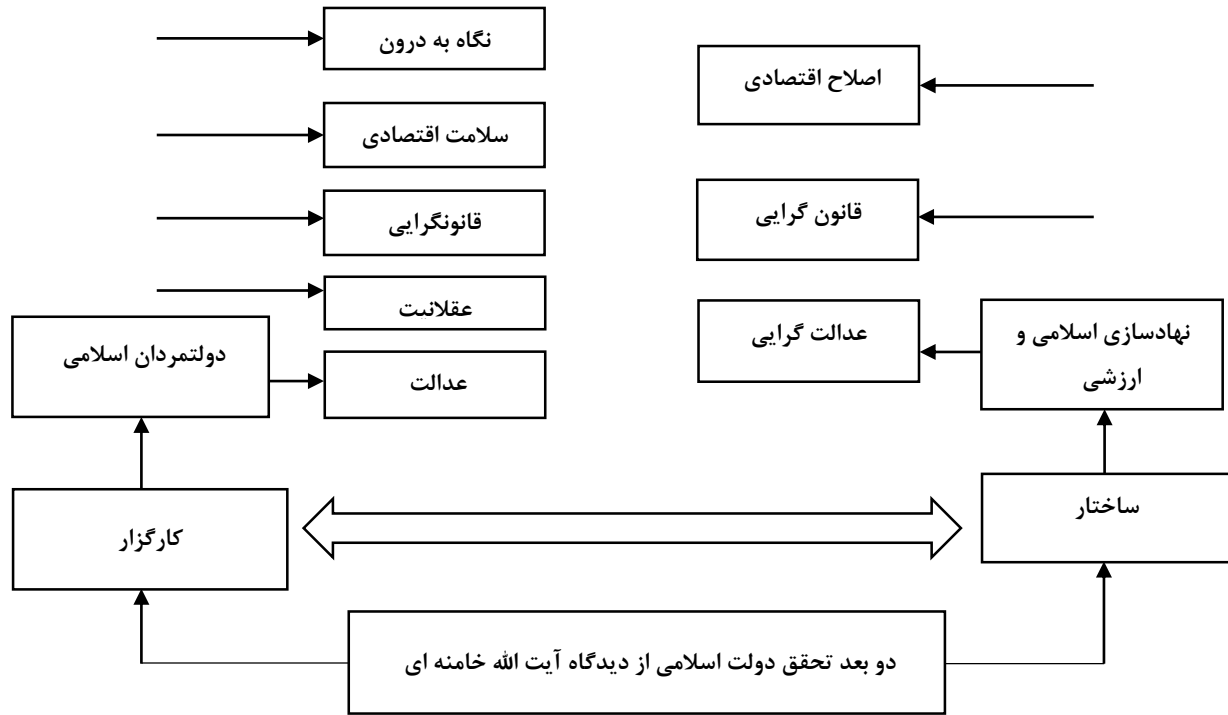


در مقابل الگوی غربی و با درک این نیاز از سوی آیت الله خامنه ای ایشان به منظور هماهنگی، برنامه ریزی و تدوین الگو حکم تشکیل مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را صادر نمودند (احکام، ۱۳۹۰/۳/۲). نکته بسیار مهم آنکه تحقق جامعه اسلامی که در مرحله بعدی رخ می دهد، وابسته به تحقق دولت اسلامی است و جز از رهگذر تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی شکل نخواهد گرفت. لذا به نظر می رسد شکل گیری دولت اسلامی و اسلامی سازی تفصیلی آن نیازمند تحقق چند بخش است. که در این میان اولین بخش طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان هندسه جامعه و تفصیلی است (جهان بین؛ معینی پور، ۱۳۹۳: ۳۷).

با توجه به سخنان و اقدامات آیت الله خامنه ای در زمینه توجه به نقش ساختار در تحقق کامل دولت اسلامی، می توان گفت ایشان ضمن توجه به نقش کارگزار، به اهمیت نقش ساختار و نهادسازی در تحقق کامل دولت اسلامی و شاخص های آن توجه و تأکید داشته اند. همچنین در زمینه ساختار علاوه بر ارائه برخی شاخص ها برای تأسیس ساختارها و نهادسازی بر اساس آنها، اقدام به تأسیس برخی نهادهای متناسب با ارزش های اسلامی و انقلابی نموده اند. نکته قابل توجه در زمینه نهادسازی ایشان، می توان به تأکید ایشان بر کارآمدسازی نهادها توجه نمود. ایشان در بیانات متعددی تأکید دارند «تراکم منظومه های گوناگون و تشکلهای گوناگون دولتی و اداری برای رسیدن به این اهداف حقیقتاً کارساز نیست...همین تشکلهای موجود، سازمانهای موجود را باید کارآمد کرد» (بیانات، ۱۳۸۸/۶/۸). بر این اساس در صورت عدم تحقق کامل وجود باید اقدام به تأسیس نهادهای جدید نمود؛ بدین ترتیب می توان گفت ارائه شاخص ها از سوی آیت الله خامنه ای برای تحقق کامل دولت اسلامی به منظور کارآمدسازی آنها صورت می گیرد. بنابراین مشاهده می شود؛ نقشه راه تحقق دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای دارای دو بعد کارگزاری و ساختاری است که با یکدیگر رابطه متقابل و تأثیر گذار دارند؛ این رابطه در مدل شماره ۱ ترسیم شده است.



# مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



مدل شماره ۱: نقشه راه تحقق دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای

## بحث و نتیجه گیری

پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال است که؛ «نقشه راه دستیابی به دولت اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای چیست؟» بود. لذا ابتدا تمدن اسلامی و دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای پرداخته شد؛ بر این اساس مشخص شد؛ ایشان جهت تحقق کامل دولت اسلامی به دو نقش کارگزار و ساختار توجه ویژه داشته و با وجود این دو بعد دولت اسلامی محقق خواهد گردید. ایشان شاخص هایی برای این دو بعد به عنوان ملاک ها و معیارهای این دو نقش مشخص نموده؛ و به برخی از این شاخص ها در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز تأکید داشته اند. بدین ترتیب با شناخت ابعاد مهم تحقق کامل دولت اسلامی و ویژگی ها و شاخص های آن، نقشه راهی به منظور دستیابی به این امر مهم ترسیم نموده اند. با توجه به علائم، شاخص ها، ویژگی های این نقشه راه می توان گفت هر دو نقش کارگزار و ساختار در اندیشه ایشان دارای اهمیت است. ایشان از یک سو ضمن تأکید بر شاخص های کارگزاران تأکید دارند؛ دولتمردان اسلامی باید دارای ارزش های اسلامی، معنوی و انقلابی بوده و از شاخص هایی چون عدالت، عقلانیت، قانونگرایی، سلامت اقتصادی، نگاه به درون، شایسته سالاری و خدمت جهادی برخوردار باشند. از سوی دیگر



## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



بر ساختارها و نهادسازی اسلامی و ارزشی در راستای تحقق دولت اسلامی تأکید و بر قانون، عدالت، اصلاح اقتصادی در ساختارها و نهادها تأکید داشته و در این راستا بر تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت توصیه می نمایند.

با توجه به سخنان ایشان می توان گفت هماهنگی، همراهی و تناسب دو نقش کارگزار و ساختار در تحقق کامل دولت اسلامی حائز اهمیت است. چرا که این دو بعد بر یکدیگر تأثیرگذار هستند و در صورتی که یکی از دو بعد از ارزش های اسلامی و انقلابی و سایر شاخص های ذکر شده برخوردار نباشند؛ مسیر تحقق کامل دولت اسلامی به درستی طی نخواهد شد و حتی موجب انحراف از اهداف انقلاب نیز خواهد شد. نکته مهم دیگر اینکه هماهنگی و همراهی و تناسب دو بعد کارگزار و ساختار موجب کارآمدی نظام اسلامی شده و در نهایت موجب تحقق کامل دولت اسلامی می گردد. بر این اساس پیشنهاد می شود کارگزاران و دولتمردان نظام اسلامی نقشه راه ارائه شده از سوی آیت الله خامنه ای را با حسن توجه، دقت نظر و دلسوزانه مورد توجه و عمل قرار داده تا سومین مرحله از گام های تمدن نوین اسلامی به طور کامل و مطلوب محقق تا در نهایت مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی هموار و به درستی پیموده شود.

## مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب



### منابع

- اشکواری، محمدجواد؛ موسوی، سیده زهرا. (۱۳۹۴). «عوامل و زمینه های احیاء تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب». مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی. دانشگاه شاهد.
- اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون. (۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبری». دو فصلنامه علمی- پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. دوره ۳. ش ۵. بهار و تابستان. صص ۱۰۸-۸۵.
- ایروانی، محمد جواد. (۱۳۷۷). نهادگرایی و جهاد سازندگی. اداره کل روابط عمومی جهاد سازندگی.
- جان احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات نشر معارف.
- جهان بین، فرزاد؛ معینی پور، مسعود. (۱۳۹۳). «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه ای». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال ۱۱. شماره ۳۹. زمستان. ۴۶-۲۹.
- خداپرست، یونس؛ موسوی خو، سید محمد. (۱۳۹۸). «مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از دیدگاه آیت الله خامنه ای». فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه. سال ۷، ش ۲۷. زمستان. صص ۶۴-۴۱.
- سالاری، محمدمهدی. (۱۳۹۱). «جایگاه واژه‌سازی و نهادسازی در تاسیس تمدن بزرگ اسلامی». مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره) و آیت الله خامنه‌ای(مدظله‌العالی).
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نی.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۸). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: سمت.
- مدیریت حوزه علمیه قم. (۱۳۸۳). درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی. قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
- سایت Khamenei.ir، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای